عیار جوانمردی از خلم

شهید معلم عبدالرزاق
قوماندان جهاد ولسوالی خلم مربوط
حرکت انقلاب اسلامی افغانستان

نوشته‌ء مولوی عبدالرحیم «خلمی

عیار

جوانمردی

از خُلم

شهید معلم عبدالرزاق

قوماندان جهاد ولسوالی خلم مربوط

حرکت انقلاب اسلامی افغانستان

نوشتهء مولوی عبدالرحیم «خَلمی»

دکتور میرویس بلخی
۲۰ ثور ۱۳۹۹

مشخصات کتاب

نام کتاب: عیار جوانمردی از خلم

نویسنده: مولوی عبدالرحیم «خلمی»

تاریخ طبع: ۸- اسد سال ۱۳۷۰ هـ ش

تعدادطبع: یکهزار جلد(۱۰۰۰)

مسؤول طبع: مولوی فقیرمحمد « خنجری»

کمپوز: صبور لیزر کمپوزینگ ۱۰۳ گل حاجی پلازه

اداره‌ء طبع کننده: ریاست فرهنگی ومطبوعاتی جمعیت طلبه‌ء حرکت انقلاب اسلامی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

من المؤمنين رجال صدقوا ما
عاهدوالله علیه فمنهم من
قضی نحبه ومنهم من
ينتظر وما بدلوا تبديلاً

سوره احزاب .آیه ۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

هر کشور وهر ملتی در جهان از خود افتخارات فرهنگی ، ادبی وتاریخی دارد که از یاد آوری آن بر خود میبالد وبادرج این افتخارات در برگهای تاریخ یادگار با ارزشی برای نسلهای آینده بجا میگذارد تا آینده گان خاطره ورهنمودی برای زندگی خود داشته باشند.

ملت کبیر افغان در پهلوی افتخارات عظیم وحیرت آور فرهنگی، تاریخی وادبی، افتخارات بی شمار حماسی در عرصهٔ پیکار با دشمنان خدا ووطن خود داشته در

پهنهء تاریخ راد مردان نام آور وسلحشوران
بی مانندی از این خطه سر برافراشته وبخاطر
رفع وطرد هر نوع تهاجم دشمن چه دشمنان
خدا وچه دشمنان استقلال وتمامیت ارضی
چون سپر ودژی مستحکم وپایدار ایستاده
گی کرده تا شکست وهزیمت نهائی دشمن از
پای نه نشسته وسلاح بر زمین نگذاشته اند.

افغانستان از روزی که تاریخ بیاد دارد
مورد نظر وطمع جهان خواران وکشور
گشایان شرق وغرب بوده است وچندین مرتبه
در هریك از ادوار تاریخ خود مورد تاخت
وتاز قرار گرفته که نخستین آن تا جائیکه
تاریخ نویس ها توانسته اند از ورای

صفحات تاریخ دستیاب کنند یورش قشون اسکندر مقدونی، مقارن سالهای(۲۳۰-۲۳۳)قبل از میلاد حضرت مسیح بوده است.

اسکندر که از مقدونیه (یونان) به عزم تسخیر جهان حرکت کرده بود تا آنطرف مرز های افغانستان که در آن وقت آریانای کبیر یاد میشد، مقاومت قابل توجهی از ملل مورد هجوم خود مشاهده نکرده کشورها وشهرهای زیادی را یکی پی دیگر مفتوح ومسخر ساخت.

در کشور آریانا اولین شهرتحت هجوم او هرات بود که مقاومت بی نظیر مردم آن

مدت زیادی او را بخود مصروف ساخت وبرای او این سر سختی ومقاومت موضوع جالب و حیرت انگیزی بود. بعد از غلبه بر هرات وتعین حاکم، به طرف سیستان رفت ولي به محض دوری، مردم بر حاکم دست نشانده‌ء شوریده او را کشتند. اسکندر مجبور به برگشت شده بار دیگر به سرکوبی قیام کننده گان پرداخت. در هرکوه وکمر وهر شهر وقریه از مردم مقاومت وپایداری دید وهرگز طعم پیروزی واقعی را بر این ملت نچشید.

بعد از اسکندر موریائی های هند به قصد تسخیر وتسلط بر آریانا اقدام به لشکر

کشی نموده ولی در کوهپایه های مرکزی
کشور به اثر حملات بی امان رزمنده گان
وشبخون های غافلگیرانه سلحشوران آریائی
تلفات سهمگینی متحمل شده مجبور به فرار
گردیدند. از همین رو این کوهپایه ها به نام
هندوکش شهرت تاریخی یافته است.

بعد از شرفیابی مردم این سر زمین به دین
مبین اسلام وتشکیل خلافت های اموی
وعباسی در بغداد گرچه مردم ما از جان ودل
اسلام را پذیرفته بودند اما در مقابل باج
گیری ظالمانه حکام بغداد تحمل نیاورده
رادمردان نامدار چون ابو مسلم خراسانی-
طاهر پوشنگی ویعقوب صفاری بازور گویان

بغداد مقابله نموده استقلال سیاسی واقتصادی خراسان زمین را اعاده کردند.

چند سده قبل از امروز چنگیز خان مغول فقط به هدف کشتار وویرانی ابادی ها ونابودی تمدن وفرهنگ پر غنای ما با لشکروحشی وخونخوار خود به خراسان هجوم اورد. حتی یکی از شهر های ما بدون مقاومت بدست او نیفتاد. شهر های بزرگ چون بلخ- هرات- بامیان- مرو -خجند -نیشاپور وسبزوار تا آخرین رمق مقاومت کردند وتا آخرین نفر شهید شدند اما تسلیم نشدند. مدتی هم حکام صفوی وقاجاری ایران قسمتهای از خاك این سرزمین مرد پرور را

تحت اشغال خود داشته از هیچ نوع ظلم
واستبداد بر علیه مردم مناطق تحت تصرف
شان دریغ نورزیدند ولی این زورگوئی ها هم
مدت زیادی مورد تحمل این ملت واقع نشده
ابر مردانی چون میرویس ومحمود هوتکی
بنای تظلم ایرانی ها را بر کنندند وبر آنها
آنطور تاختند که خود شان بدست خود تاج
شاهنشاهی ایران را بر تارك فرماندهء سپاه
ظفرمند افغان نهادند.

بعد از ایرانی ها نوبت به انگلیس ها
رسید تا طعم مقابله با این مردم غیور
وتسخیر نا پذیر را به چشند. در سال
(۱۸٤۱) میلادی انگلیس شروع به مداخله

در اوضاع سیاسی افغانستان نموده شاه
شجاع را تحت حمایت مکناتن به تخت
سلطنت نشاندند. این مداخله مدت یك و نیم
قرن یعنی یکصد وپنجاه سال تمام ادامه پیدا
کرد تا اینکه در سال(۱۹۱۹) میلادی در
اثر شکست مفتضحانهء که از سپاه دلاوران
وسر سپرده گان افغان خوردند با سرافگنده
گی خاك ما را ترك نموده واین شکست سر
آغاز از هم پاشیده گی امپراتوری کبیر
بریتانیا بود که روز گاری بنابه گفته خود
آنها آفتاب در قلمرو شان غروب نمی کرد.

در طی این یکصد وپنجاه سال مداخله ،
انگلیس هم نفس راحتی نتوانست بکشد

گذشته از نبرد های مشهور اول ودوم وسوم
افغان وانگلیس وجنگهای میوند وجلال
آباد، هر روز وهر لحظه در هر بیشه وکوی
وبرزن مجاهدین با نعره های تکبیر چون
صاعقه برفرق شان فرود میآمدند وعدهء
بیشمار آنها را به خاك وخون میکشیدند.

در اخیر دههء هفتاد قرن بیستم میلادی
کشور روسیه شوروی ظاهر بخاطر استحکام
رژیم مزدور دست نشانده اما در باطن بمنظور
اشغال کشور ورسیدن به آبهای گرم بحرهند
که از زمان امپراتوری پطر کبیر نقشهء آن
طرح گردیده بود، با بیشتر از یکصد هزار
سرباز وده ها هزار تانك وتوپ وصد ها

فروند طیاره جنگی وانواع ساز وبرگ
پیشرفته نظامی بر ملت مظلوم وبیدفاع ما
یورش آورده بخاطر سرکوب روحیه مقاومت
وپایداری مرم ما تمام انواع جنایات مروجه
وحتی ابداعات جنائی ووحشی گری را بکار
گرفتند ولی سودی نه بخشید وبعد از دوازده
سال بر بریت وسفاکی به اثر مقاومت
ومردانگی جهاد گران سر بکف ما باذلت
وشرمساری مجبو،ر به فرار شده برای اولین
بار اردوی نام آور سرخ معنی شکست را
درمقابل یك ملت بیدفاع وتهی دست
فهمید. همینطور این شکست برای امپراتوری
روسیه شوروی نیز سر آغاز از هم پاشیده

گی سیاسی واقتصادی واجتماعی وایجاد
رحیه مقاومت در بین سایر ملل تحت
استعمار آن گردید.

بیان قهرمانی ها ومعرفی قهرمانان
معرکهء جهاد حق علیه باطل درین چند برگ
محدود بعید از امکان بوده ،وتا حال به
همیاری اهل قلم ودانشمندان متعهد کارهای
ارزشمندي درین زمینه صورت گرفته واین
سلسله ادامه دارد تا به این طریق افتخارات
جهادی وحماسی ملت ما ثبت اوراق تاریخ
شده میراثی جهت بیداری روح رزمنده گی
وجهادگری نسلهای بعدی ما باقی ماند.

به همین سلسله خواستیم یکی از این ابر

مردان جهادی را که درین اواخر با نوشیدن جام شهادت به لقاء الله پیوسته برای هموطنان مسلمان ومبارز خود معرفی وباذکر گوشه های محدودی از مجاهدت وایثار گری هایش یاد او را گرامی داشاته باشیم. لازم دانسته میشود قبل از معرفی این عزیز از دست رفته نکاتی چند پیرامون خصوصیات وویژه گی های زادگاه این مجاهد نامور یعنی شهید قهرمان پرور خلم یاد آوری گردد.

****

****

****



شهید گرانقدرقوماندان فقیدمعلم عبدالرزاق بامعلم غلام سخی تصویر یادگاری

خلم

شهری تاریخی، با اهمیت سوق الجیشی

ولسوالی خلم بفاصله (۵۵) کیلو متری غرب سمنگان جایگاه رستم قهرمان شهنامه فردوسی موقعیت داشته یکی از شهر های تاریخی افغانستان به شمار میرود. مواریث بی شمار فرهنگی، ادبی وتاریخی باقیمانده از اعصار وقرون گذشته حکایت از آبادانی وزندگی پر بار وبا ثمر مردم ان دارد. از لحاظ جغرافیائی این شهر در نزدیك معبر کوهستانی وکم عرض قرار دارد که از نقطه نظر سوق الجیشی چه در گذشته وچه در حال

وآینده حایز اهمیت خاص میباشد. همین
موقعیت سوق الجیشی سبب توجه مهاجمینی
بوده که آرزوی گذار از این معبر و منطقه را
داشته اند. همینطور آب وهوای گوارا،
موجودیت اراضی خرم وشاداب، گله های
بیشمار دام، باغ های پراز درختان پر بار
میوه های متنوع ولذیذ چون انار، سیب
وانجیر وانگور وغیره علاقه هرکشور گشا
وجهان خوار را که به قصد تسخیر کشور ما
داخل مرز تسلط فوری بر این شهر راسخ تر
ساخته. ولی همین موقعیت خاص جغرافیای
وآب وهوای گوارا همانطوریکه سبب ایجاد
روح پایداری ومقاومت وحفاظت منطقه از

زخم چشم همهء بدنظران وطمع گاران نیز شده است.

این شهر از لحاظ ارتباط اداری در سالهای گذشته گاهی مربوط سمنگان وگاهی مربوط بلخ بوده اما از لحاظ تاریخی یکی از شهرستان های بلخ باستان دانسته میشود. که از مقاومت وپایداری وتسلیم ناپذیری ساکنان بلخ وشهرستان هایش تا مرز آخرین رمق وآخرین نفر در مقابل حملات وکشتار بی رحمانه چنگیزیان داستان وحکایت های بی شمار ومحیر العقولی در صفحات تاریخ مطالعه کرده ایم.

بعد از رفع غامله چنگیزهر بار دیگر که

این شهریا نواحی نزدیك آن مورد تهاجم بیگان قرار گرفته مردم مقاوم ودشمن بر انداز خلم با تمام قدرت از مرز وبوم شان دفاع کرده هیچ گاه بدشمن این فرصت را نداده اند که بخاطرآرام از این معبر سوق الجیشی عبور کند.

در سال ۱۹۷۹ میلادی مطابق ۱۳۵۸ شمسی که قشون اشغالگر وتجاوز کار وبی فرهنگ روسیه شوروی با کمال بی حیائی بدون دلیل دریای آمو را عبور وسرزمین مرد خیز وقهرمان پرور ما را مورد تهاجم وحشیانه قرار داد چون حفظ ونگهداشت معبر سوق الجیشی واستراتیژیك خلم عبور

ومرور محفوظ ومطمئنانه کاروان های
اکمالاتی ونظامی اش دارای اهمیت حیاتی
بود ،لذا در قدم نخست کنترول خلم را از
اهداف اولیه بشمار آورد و قوای رزمی
خاص و جنگ دیده را در باغ جهان نمای خلم
که زمانی چون عروس زیبای در دامن خلم
آرامیده بود ، جایگزین و از اینطریق
خواست حاکمیت وکنترول خود را بر معبر
استراتیژیک تثبیت و باخاطر آرام ساز و
برگ نظامی خود را جهت مقابله باموج
خروشان قیام بر حق مردم سایر مناطق کشور
انتقال دهد ولی از این گفته شاعر غافل بود

«هر بیشه گمان مبر که خالیست
شاید که پلـــنگ خـفتـــه باشـد»

مدت اندکی از تمرکز قوای اشغالگر در خلم سپری نشده بود که شیرزاده گان خلمی با نیروی عقده وایمان به خداو واسلام عزیز وبا وسایل خیلی ساده وابتدائی جهاد مسلحانه وبرحق را آغاز ودر کمترین فرصت عرصه راچنان برآنها تنگ نمودند که دیگر حتی حصاری بلند باغ جهان نما هم نتوانست پیکر های پلید روس ها را از تیررس وگزند پیکان های رها شده از جانب مجاهدین سر بکف محافظت نماید.

حتی یك قطار اکمالاتی روس بدون آسیب

وتلفات سنگین جسمی ومالی نتوانست از معبر خلم عبور کند. درین پیکار بر حق همه اهالی مسلمان خلم بصورت مستقیم وغیر مستقیم سهیم بودند وهمین درك بود که دشمن طی یك دهه تا توانست بر فرق مردم وبر خانه وکاشانهء شان بم وناپالم وآتش را فروریخت تا بفکرابلهانهء خودش بتواند مجاهدین را از حمایت مردم محروم سازد اما هر قطرهء خونی که توسط دشمن ریختانده شده صد ها جوان دگر را به صف مجاهدین رهنمون شد.

قهرمانان زیادی در جریان پیکار حق علیه باطل در این خطهء باستان پا بمیدان گذاشتند

وبا ایثار گری وفدای جان شیرین حماسه های
حیرت آور وافتخار افرین بیادگار گذاشتند
که از جمله مشهورترین این عزیزان یکی هم
معلم عبدالرزاق شهید است.

پیرامون سجایا- قهرمانی ها- تقوا وسایر
خصوصیات این عیار سرزمین بلخ اگر
طوریکه شایستهء حال اوست نوشته شود
وقت کافی لازم است. با اطلاع از شهادت
نابه هنگام این قهرمان معرکه جهاد بپاس
گرامی داشت مقام والای او ضمن مختصر
معرفی او گوشهء محدودی از عملگرد های
بی شمار جهادی این قهرمان اسلام شرح
داده میشود تا هموطنان مسلمان ما با

مفاخر جهادی شان اشنا ونسل جوان ما برای ادامه راه این مشعل داران حق رهنمودی داشته باشند.

###################

##################

#################

###############

############

##########

######

#####

###

#

معلم عبدالرزاق

عیاری از عیاران خلم

سی وچهار سال قبل از امروز بسال ۱۳۳۶ هجری شمسی در قریه نو آباد یکی از دهات خرم وشاداب خلم نوزادی پا بعرصه وجود گذاشت که نام عبدالرزاق را بر او نهادند شاید در آنزمان هیچ کس از اطرافیانش را گمان بر این نمی رفت که این کودك روزی یکی از علم برادران جهاد اسلامی باشد وجنگاوری شود که در مقابل لشکر ابر قدرت جهانی قدبر افرازد وبه نیروی ایمان وعقیده اسلامی چنان ضربات خورد کننده ء بر دشمن وارد سازد که دشمن

با همه قدرت وشهرت کاذب تاب مقاومت نیاورده سر عجز وشرمساری به پیشگاهش بساید.

پدر این نوزاد فضل احمد مرد دهقان پیشه وزمین دار متوسطی بود وبا عرق ریزی وپشتکار بزراعت وکشتمندی چند جریب زمین متعلقه اش مصروف بود تا بتواند رزق حلالی برای خانواده اش بدست بیاورد.

عبدالرزاق چون دوره ٔ کودکی را پشت سر نهاد وبدوره ٔ رسید که یا میبائیست با چشم پوشی از فیض کسب علم با پدرش در امر کشت وزراعت همیاری نماید ویا اینکه با شمول بمدرسه از فیوض معرفت بهره ور

شود. درین موقع پدر او که مرد منور واگاه
از اهمیت کسب دانش بود، در حالیکه به
همیاری فرزند در آبیاری وکشت وجمع آوری
محصول زمین سخت ضرورت داشت، همهء
این تکالیف را بخود متقبل شده نو باوهء
خود را اجازه داد تا بمدرسه برود وبه جوهر
علم ومعرفت آراسته گردد.

بعد از انجام موفقانهء دورهء تعلیمات
ابتدائی نظر به استعداد وعلاقه خودش وپدر
فدا کارش شامل دورهء ثانوی شده به سال
١٣٥٦ شمسی هجری بدرجهء عالی سند
بکلوریا را از لیسه مرکز ولسوالی خلم
بدست آورد.

چون در او اندوختهء علمی وافری مشاهده نمودند او را به حیث معلم در مکتب درهء زندان یکی از توابع خلم مؤظف ساختند. در دورهء تعلیم وزمان معلمی نظر به علاقه و ذوق مفرطی که به فهم مسایل مختلف علمی داشت لحظهء را فارغ از مطالعه کتب سودمند ضایع نکرده سطح معلومات خود را افزایش میداد. با مدتی تدریس مسلک معلمی مورد پسند او واقع شده، خواست با شمول در دارالمعلمین تخصص بیشتری درین زمینه کسب ومصدر خدمات ارزنده تری برای نو نهالان خلمی شود. بناء در سال ۱۳۵۸ شامل دار المعلمین ولایت سمنگان

گردید.

سال ۱۳۵۸ شمسی هجری به تحقیق یکی از تاریك ترین سالهای تاریخ کهن کشور ما بشمار میرود. درین سال حوادث خونین همانند قیام فرقه بالاحصار کابل- قیام چنداول- قیام فرقه ریشخور- قیام فرقه جلال آباد وده ها قیام در هر گوشهء وکنار میهن ما وسرکوب وحشیانه هریك از این قیام ها و کشتار ده ها هزار انسان بیدفاع اعم از عالم- روشنفکرمحصل پوهنتون شاگردان مکاتب، مامورین وکارمندان دولت صاحب منصبان عسکری وسایر گروه ها توسط رژیم ملحد صورت گرفته حتی واقعه



قوماندان قهرمان معلم عبدالرزاق شهید رح با مولوی عبدالرحیم «خلمی» با دونفر از مجاهدین همسنگر خویش در ولسوالی خلم

سیاه ششم جدی نیز در همین سال تحقق
یافته خلقی ها در جریان سال ۱۳۵۸ بنا به
دستور رهبر نادان شان تره کی لعین دست به
تصفیه سیاسی، اجتماعی به شیوه تصفیه
استالین زده هر کسی را که صاحب مفکوره
اسلامی وملی ومیهنی می یافتند
ویامیشناختند سر به نیست میساختند در
اواخر این تصفیه را گسترش داده طبقات
محروم جامعه بشمول دهقانان، کارگران
وکسبه کاران را نیز تحت پی گرد وتعقیب
وآزار قرار داده هر شب وروز چون جغد
وخفاشان منحوس بر خانه ومحل کار مردم
هجوم برده عده، رابا خود میبردند که تا حال

از سر نوشت ان عزیزان مظلوم اطلاعی
دردست نیست این همه سفاکی وددمنشی به
روحیه معلم عبدالرزاق تأثیر وارد آورده او
را مصمم به مقاومت در برابر دسایس وپلان
های شیطانی خلقی ها نمود. نقش عمده او
در محیط دار المعلمین افشاء دسایس حزبی
ها وتبلیغ بر علیه مقاصد شوم این جنایت
پیشه گان بود. وبا دانش کافی که داشت
عده زیاد جوانان مسلمانی راکه امکان
میرفت ازخوف جان تحت تأثیر تبلیغات
زهرآگین خلقی ها قرار گرفته منحرف شوند
بدور خود جمع نمود ذهن آنها را در برابر
توطئه های دشمن روشن وبیدار

نگهمیداشت.

دشمن بالاخره متوجه این سپر مقاوم گردیده او را نیز همانند عدهء بیشمار دیگری که قبلاً به اسارت برده بود، شبنگاه توسط ماموران اطلاعاتی خود بدام انداخت وبه محبس منتقل نمود. در زندان رژیم ملحد تحت کشنده ترین ودردناك ترین شکنجه های خلاف کرامت انسانی بسر آورد ولی دشمن نتوانست روحیه مقاوم او را در هم کوبیده حتی یك کلمه از دهان او بدر بیاورد.

بربریت ووحشی گری های که او در داخل زندان از این مدعیان رفع استثمار انسان از انسان ووعده دهنده گان لباس وغذا ومسکن

مشاهده نمود ، با خدای عزوجل عهد وپیمان
بست که اگر از این دخمهء مخوف زنده بدر
شود باقی مانده عمر را حتی اگر یك لحظه
هم باشد درمجاهدت براه خدا بر علیه ظلم
وبیداد کمونیزم وآدم خواران مزین به لباس
تمدن صرف نموده بخاطر نجات مردم مظلوم
وبیدفاع از چنگال این اهریمن های بی مثال
قرن بیستم دست به اقدام عملی بزنند. وبه
پیروی از راه عیاران باختر زمین داد
مظلومان را از ستمگران وجباران بستاند.

شاید عهد وپیمان او وشاید هم نیایش
دیگر مظلومان بدرگاه رب العزت قبول واقع
شده همچو عیار جوانمردي از زیر تیغ مصبان

مدعی حقوق بشر جان سالم بدر برد وبعد از یکسال اسارت از بند رها گردید وطبق پیمان بدون اندك درنگ به جهاد مقدس ومسلحانه پیوست .

آنهائی که از جوهر دانش بر خور دارانـد در همه حالات از خود شایستگی ودرایت تبارز میدهند. او هم در مدت بسیار کمی با تهورات وکار آئی های که جهت سوق ورهبری عملیات جنگی وتحلیل وتجزیه معقول شرایط ماحول درك عمیق ودقیق مسایل سیاسی، اجتماعی ازخود نشان داد از حدیك مجاهد عادی وجنگجوی معمولی گذار نموده به صف فرماندهان جا گرفت وبه مجدود

زمانی با شهرتی که در بین دوستان ودشمنان
بدست آورده بود در صف فرماندهان نیز از
جمله نام آوران گردید.
برای بسیاری از قطعات خورد وکوچك
دشمن فقط شنیدن نام معلم عبدالرزاق کافی
بود تا همه مهمات حربی شانرا به جا
گذاشته از ترس جان راه فرار در پیش
گیرند. حتی روس های وحشی صفت از
شنیدن نام او بر خود می لرزیدند وجرأت
رویا روئی با او را در خود سراغ نمی دیدند
هرباریکه دشمن قصد حمله به جبهات وسنگر
او راداشته قوای عظیم زرهی ونفرات ارتش
بی شماری را فراهم میآورد چون میدانست

با قدرت کم امکان مقابله با او میسر نبود.با آنهم در هر بار تعرض دشمن به سنگر های او باوجود آتش سهمکین وبلا انقطاع زمینی وهوائی وکار برد مدرن ترین انواع اسلحه نتوانسته قدمی به جلو بکذارد در بعضی حالات حتی ظرف چندین روز نبرد ومحاصره با بجا گذاشتن صدها کشته وزخمی از عساکر وصاحب منصبان خود وتحمل خسارات هنگفت مالی مجبور به فرار گردیده است.

حملات طوفان وار ودرهم شکن او بالای مواضع قطار های اکمالاتی قوای روس حتي تا آخرین روز های فرار این درنده صفتان

ادامه یافت وتوانست در آخرین روز های موجودیت روسها اوتن از افراد شانرا به اسارت در اورد. روسها هر قدرت ونیرنگی که بکار بردند کار گر نیفتاد مجبوراً تن به سازش داده در بدل رهائی شصت وهشت تن مجاهدین اسیر در زندان های رژیم مزدور ، رهائی دو نفر اسیر شانرا حاصل دارند.

در دوران جهاد چند بار از تیر دشمن زخم برداشت ولی هر یك از این زخم ها او را در بسر رسانیدن آرمانش مصمم تر وجدی تر ساخت حتی در وضع نقاحت ناشی از زخم دشمن نیز بر دشمن یورش میبرد.

اخیراً با تأسف اطلاع حاصل شد که این

مجاهد قهرمان علم بردار جهاد مسلحانه اسلامی در خلم وتك سوار طریق عیاران بلخ طی علمیات رزمی بتاریخ ۲۳ ماه جوزای ۱۳۷۰ خورشیدی به اثر انفلاق مرمی هاوان دشمن بدرجه والای شهادت نایل آمده وبه لقاء اللّه پیوسته است. (انا للّه وانا الیه راجعون). بعد از شهادت شان براساس فیصلهء قوماندنهای مربوطه وتأئید آمر ولایتی جناب مولوی صاحب محمد اسلام «محمدی» برادرش محترم محمد صادق در عوض شان بحیث آمر غند تعیین ومنتخب گردید.

گرچه فقدان همچو قهرمانان در شرایط

کنوني کہ جهاد اسلامی وارد مرحله سرنوشت ساز خود گردیده جبران نا پذیر وخیلی اندوهناك است ولی باور کامل استکه بجای هر قطره خون او ده ها قهرمان دیگر بپا خواهد خواست ونخواهد گذاشت درفش پیروزی جهاد با فروغلتیدن معلم عبدالرزاق همچنان بر زمین باقی بماند.

یاد آوری وذکر همه عملکرد های جهادی این اسوهء تقوا فرصت کافی ضرورت داشته انشاء الله این مأمول درآینده از طرف مؤرخین ونویسنده گان گرامی که تاریخ مبارزات اسلامي ملت ما را در قبال تجاوز روسیه شوروی ثبت خواهند کرد به تفصیل

یاد خواهد گردید.

درین رساله که به گرامی داشت شهادت آن قائد شهید ترتیب شده بصورت نمونه گوشهء از عملکرد های متهورانه جهادی او بصورت خلاصه یاد میشود.

######################

####################

#################

###############

#############

###########

########

####



۱- در سال ۱۳۶۱ خورشیدی دولت ملحد ودست نشانده با ضرباتي که از عملیات گوناگون وهماهنگ مجاهدین خلم خورده بود خواست با ایجاد پوسته بسیار مجهز به اصطلاح امنیتی در ناحیه اخیر باغ ذخیره خلم راه رفت وآمد مجاهدین را با قرارگاه ومراکز کوهستانی شان قطع ویا لااقل این راه را تحت مراقبت قرار دهد.ایجاد این پوسته واقعاً برای مجاهدین مشکلات زیادی

ВОДИТЕЛЬСКОЕ УДОСТОВЕРЕНИЕ
PERMIS DE CONDUIRE

Фамилия *Бахадур Шах*

Имя *BAHADUR SHAH*

Отчество ....

Дата и место рождения *1958 г.*

Афганистан

Местожительство *Афганистан*

(подпись владельца)

АВД

№ 593166



Выдано
ГАИ МВД – УВД
Ростовская област[ь]

24. 09. 19*80*.
(дата выдачи)

Действительно до .... 19... г.

Председатель комиссии ....
(подпись)

М. П.



CCCP (SU) USSR

Категории транспортных средств, на управление которыми выдано удостоверение		Место печати
A	Мотоциклы	РАЗРЕШЕНО
B	Автомобили (за исключением упомянутых в категории A), разрешенный максимальный вес которых не превышает 3500 кг (7700 фунтов) и число сидячих мест которых, помимо сиденья водителя, не превышает восьми.	РАЗРЕШЕНО
C	Автомобили, предназначенные для перевозки грузов, разрешенный максимальный вес которых превышает 3500 кг (7700 фунтов).	
D	Автомобили, предназначенные для перевозки пассажиров и имеющие более 8 сидячих мест, помимо сиденья водителя.	
E	Составы транспортных средств с тягачом, относящимся к категориям B, C или D, которыми водитель имеет право управлять, но которые не входят сами в одну из этих категорий или в эти категории.	

Для особых отметок *А Б 3 920518*

ППФГ. 1972.

کارت شناسائی عسکر اسیر شده روسی.

«تفصیل درمتن کتاب»

بباراورده ودرهم کوبیدن آن هم کار آسانی
نبود. اما معلم عبدالرزاق به همراهی
مجاهدین تحت فرمانش باکمال شهامت
وشجاعت در ماه جوزای آن سال بر این
پوسته یورش برده آنرا در هم کوبیده تمام
سلاح ومهمات آنرا به غنیمت گرفت.

۲- درهمین سال که روسها با تاکتیك
وحشیانه سوزاندن مزارع وخرمن ها، مردم
وخصوصاً مجاهدین را از دستر سی بمودا
غذائی محروم می ساختند وبراستی نیز
مجاهدین به کمبود مواد ارتزاقی مواجهه
بودند، معلم عبدالرزاق شهید طی عملیاتی
بتاریخ اول ماه سرطان درمنطقه زنجیر گاه

УДОСТОВЕРЕНИЕ ЛИЧНОСТИ

ПЛ № 067836

Игнатенко
(фамилия,

Павел Яковлевич
имя и отчество)

состоит на действительной военной службе в Вооруженных Силах СССР.





1. Число, месяц и год рождения 12 января 1958 г.

М. П.

2. Личная подпись

ПЛ № 067836

3. Место рождения с. Б. Кохновка Кременчугского р-на Полтавской обл.

4. Национальность украинец

5. Кем выдано удостоверение войсковой частью 53552

6. Подпись должностного лица, выдавшего удостоверение командир войсковой части 53552 полковник

М. П.

7. Дата выдачи 1 октября 1985 г.

کارت شناسائی صاحب منصب اسیر شده روسی «تفصیل درمتن کتاب»

واقع مسیر شاهراه کابل حیرتان بالای
کاروان اکمالاتی رژیم یورش اورده با آتش
زدن یك دستگاه تانك زرهی وچندین وسیله
دیگر نظامی قوماندان کندك محافظ
قطارمذکور را همراه چند تن دیگر از
افرادش به هلاکت رسانیده چندین عراده
موتر را با مقادیر متنابهی گندم وسایر مواد
غذائی بدست آورد.

۳-بسال ۱۳٦۲خورشیدی در ماه میزان
قوای روسی با کسب اطلاعی از موجودیت
گروه کثیری از مجاهدین در داخل قرأ
وقصبات با نیروی هیبت ناك ووسایط کثیر
زرهی تمام قرأ اطراف خلم را به امید اینکه

عده ء از مجاهدین جان فدا را زنده بدست آورند به محاصره کشیدند وهمه راههای اکمالاتی وعقب نشینی را مسدود نموده بودند در چنین حالتی که کمتر امکانی برای نجات وجود داشت تنها حملات جسورانه معلم عبدالرزاق ویاران او بود که طی ده روز نبرد تلفات بی شماری را برای روس ها وارد وآنها را مجبور به ختم محاصره وعقب نشینی نمود.

٤- با اوج گیری روز افزون قیام مسلحانه مجاهدین وواردشدن ضربات خرد کننده بر قواي روس در خلم وقوای در حال عبور از معبر استراتیژیك خلم، روس ها خواستند در

عرض راه ، راه مجاهدین از قرار گاه های
کوهستانی شان الی نواحي نزدیك نهر خلم
در منطقه قران دره کمین نموده با حمله
غافلیگرانه ونامردانه ضربه کاری به گروپ
های در حال عبور مجاهدین وارد سازند. این
پلان را در ماهثور سال ۱۳٦۳ عملی
نمودند. معلم عبدالرزاق ویاران مجاهدش با
اطلاع از این پلان شوم از عقب خط تمرکز
قوای روس بالای شان حمله آورده یك عراده
تانك زرهی شانرا تخریب، شش تن افراد
شانرا هلاك وعلهء زیادی از آنها را مجروح
نموده روس ها که کاملاً غافلگیر شده بودند
جز فرار چارهء دیگری ندیده منطقه را

ترك گفتند.

٥- باغ جهان نمای خلم که یکی از آثار تاریخی با ارزش واز تفرح گاههای زیبای کشور ما بود بعد از ورود قوای روس به خلم به قرار گاه مستحکم قوای مشهور به والگا که یکی از قطعات زبده ودارای اهمیت روسها بود، تبدیل گردید. روسها مدتی را در پناه حصار بلند ومطمئن آن احساس آرامش کرده بعد از انجام عملیات ویرانگر خستگی شانرا در سایه درختان تنومند وزیر سقف های بلند وخوش هوای آن با باده نوشی وعربده کشی رفع میکردند.

تحمل این وضع برای معلم عبدالرزاق شهید

مشکل آمده در ماه دلو سال ۱۳۶۳
خورشیدی همراه با مجاهدین تحت فرمان
خود از دامنه کوه کنج توسط توپ وهاوان
(۸۲) ملی متری هسته‌ء مرکزی باغ جهان
نما را تحت آتش بی امان وپیاپی قرار داد که
در نتیجه (۳) تن از افراد روسی هلاك
وعده دیگری زخمی شدند بعد از این تاریخ
روسها احساس اطمینان را نسبت به امنیت
شان در پناه حصار باغ جهان نما را از دست
داده کمتر در صحن باغ ظاهر میشدند.

۶-باردیگر در ماه حوت سال ۱۳۶۳از
همان نقطه قبلی با سلاح قویی یعنی توپ و
هاوان (۸۲) میلی متری باغ جهان نما یا

قرار گاه قوای روس را بصورت دقیق و
حساب شده تحت آتش مرگبار قرار داده یك
دیپوی عظیم اسلحه و مهمات آنها را به
آتش کشید که از اثر انفجارات ناشی از آن
سه عراده تانك زرهی« وتعداد وسایط
دیگرجنگی طعمه حریق شده عدهء زیادی
ازروسها هلاك وزخمی شدند.

۷- بروز ششم ماه حمل ١٣٦٤ خورشیدی
روس ها با ما یوس شدن از عملیات
مختلفی که بری جلوگیری از فعالیت نفوذی
مجاهدین انجام داده وهمهء آن فاقد نتیجهء
مطلوب برای شان بود، عزم کرده بودند با
انجام عملیات وسیع بالای قرار گاه های

اصلی مجاهدین در کوههای اطراف خلم این
پایگاه ها و قرار گاهها را از بین برده، خاطر
خورد از ناحیه حملات ناگهانی مجاهدین که
گاه وبیگاه با لای قطار های اکمالاتی
وپوسته های شان انجام می شد،آرام سازند.
بناً با قوای زیاد زرهی وحمایت آتش
توپخانه وقوای هوائی به این قرارگاهها
حمله بردند .

پلان روسها طوری بود که در مدت کمتر
ازیکروز نتیجهء دلخواه راحاصل ودوباره راه
قرار گاه شانرا پیش گیرند. اما مقاومت
ویورش های متقابل معلم عبدالرزاق
ومجاهدین هم سنگر او هفت شبانه روز روس

ها را دردشت و کوه سرگردان وبه تکلیف
نگهداشت که در اخیر به اثرتلفات سنگین
نفرات خود مجبور به عقب نشینی گردیده
بازهم بدون نتیجه وسر افگندگی به مراکز
شان برگشتند.

درجریان این نبرد یك فروند هیلی کوپتر
روسهابا آتش سلاح ثقیل مجاهدین ساقط
گردید. محل سقوط آن راکه بالای تپهء
کوهی واقع است مردم منطقه بزبان عامیانه
«کلهء طیاره» نام گذاشته انده. بعد از فرار
روسها از صحنهء ابن نبرد طولانی علایم
زیادی از قبیل لباس عساکر، کلاه کفش
وباریکه های خشکیده خون بجا مانده بود که

همه آن گواه تلفات سنگین آنها بوده است.

۸- موارد بسیاری بمشاهده رسیده که عده از افسران وسربازان اردوی رژیم ملحد از کشتار بی رحمانه وبدون موجب هموطنان مسلمان ومظلوم شان احساس بیزاری و پشیمانی کرده وجدان خفتهء آنها بیدار شده یا از صف اردوی رژیم فرار وبه مجاهدین پیوسته اند یا اینکه از داخل قطعات عسکری با تماس قبلیکه با مجاهدین قرار کرده اند دست به تخریبات جبران ناپذیر علیه دولت زده اند.

معلم عبدالرزاق شهید با پختگی سیاسی ونظامی که در دوران دوازده سال جهاد

مسلحانه حاصل نموده در همچو زمینه نیز
کار مثمر انجام داده بود که نتتیجهء دلخواه
آنرا بروز ۲۵ سنبله ۱۳٦۷ بدست آورد. قبل
از این تاریخ توسط عوامل نفوذی با دو نفر
صاحب منصب تماس بر قرار نموده به کمک
وهمکاری انها توانست تعداد دو صد هفت
میل کلاشنکوف جدید روسی را ازچنگ
دولت ملحد طور غنیمت بدر آورد.

۹- طوریکه در بخش دوم این رساله نیز
یاد شده در روز های که آخرین سربازان
قشون شکست خورده روسی بادست وپاچگی
مشغول خروج وتخلیه وطن قهرمان پرور ما
بودند، معلم عبدالرزاق طی یك عملیات بی

باکانه متهورانه دو نفر از ارتشیان اردوی
تجاوز کار روس را که یکی آن افسر ودیگر
سرباز بود به اسارت گرفت حین اسارت از
نزد این دون صفتان یك عراده موتر جیپ،
دو میل ماشیندار یك میل تفنگچه ویك
دستگاه مخابره هم بدست مجاهدین افتاد.
علاوتاً دو عراده وسیله نقلیه نظامي دیگر
نیز به غنیمت گرفته شد.

چون تمام تلاش روسهای متجاوز برای
رهانیدن دو نفر اسیر شان بی ثمر باقی ماند
به سر افگندگی تن به قبول پیشنهاد
مجاهدین داده دو نفر اسیر خود را باتعداد
شصت وهشت تن مجاهدین که بنام محبوس

سیاسی در زندان های رژیم کابل در بند بودند وتعداد شش میل تفنگ کلکوف تبادله کردند.

۱۰- ضربات کاری وخرد کننده که مجاهدین تحت فرمان معلم عبدالرزاق در منطقه تنگی خلم به کاروان های نظامی واکمالاتی دولت ملحد وارد کرده بودند، دولت را بفکر ایجاد وجابجا کردن پوسته های مستحکم امنیتی در منطقه تنگی خلم انداخت ،این مأمول را بزودی بر آورده ساخته پوسته نهایت مجهز ومستحکمی ایجاد کرد. ولی این پوسته نیز با تمام تجهیزاتش بمقابل یورش معلم عبدالرزاق تاب

مقاومت نیاورده در ماه عقرب سال ۱۳٦۸
با همه مهمات خود بدست پرتوان معلم
عبدالرزاق فتح گردید.

۱۱-یکی از عملکرد های تعجب بر انگیز
این قهرمان شهید شبخون موفقانه تاریخی
بیست وهفتم قوس سال ۱۳٦۸ در منطقه
آب کنج بندر حیرتان بالای کاروان نظامی
دولت ملحد است که ضمن کشته وزخمی
ساختن عده کثیر افراد دشمن واز بین بردن
تعداد زیاد وسایط زرهی ونقلیه، به تعداد
هفت صد میل تفنگ کله شنکوف وسه عراده
موتر را از ملحدین به غنیمت گرفت.

۱۲- روز بیست وهفت دلو سال ۱۳٦۸ به

معیت سایر همرزمان خود شاهراه کابل
حیراتان را درز ناحیه تنگی خلم مسدود
ساخته بالای قطار عظیم اکمالاتی دشمن با
فیر راکت وسایر سلاح ثقیله حمله کرد .در
اولي دقایق نبرد نوزده عراده موتر حامل
مهمات جنگی وپنج عراده تانك زرهی را با
سر نشینان آن به آتش کشید.

این عملیات هشت شبانه روز بطول انجامید
درین مدت دشمن سیزده مرتبه دست به حمله
متقابل زد وهر بار به شکست فاحش روبرو
شد. آخر الامر با بجا گذاشتن هفتاد کشته
اعم از عسکر وصاحب منصب واز دست
دادن یازده عراده تانك، بمشکل زیاد خود را

ازمهلکه بدرکرده راه فرار پیش گرفت. ولی به تلافی این شکست با استفاده ازآتش توپخانه دور بردوقوای هوائي زیادتر ازشصت مرتبه مردم بیدفاع ملکی خلم واطراف آنرا بشکل ظالمانه تحت بمبارد قرار داده تلفات وخسارات هنگفت جانی ومالی را ببار آورد .

مجاهدین تحت قیادت معلم عبد الرزاق این جنایت دشمن را بی جواب نگذاشته با استفاده از سلاح سنگین مواضع فرماندهی وپوسته های به اصطلاح امنیتی را تحت آتش گرفته زیاد تر از پنجاه نفر افراد آنرا هلاك ساختند.

۱۳- بروز سوم جوزای سال ۱۳٦۹ همراه با مجاهدین ایثار گر درناحیه تنگی خلم قطار نظامی رژیم کابل را متوقف ساخت . دراثر برخورد با قوای دولتی درجریان این عملیات یك عراده تانك زرهی با شش عراده موتر کاماز ویك عراده وسیله نقلیه نظامی توسط آتش راکت منهدم وتعداد شش نفر عسکر ویك نفر افسر رژیم بنام تورن عبدالله رئیس ارکان غند محافظ قطار به اسارت مجاهدین درآمدند که یك عراده وسیله نقلیه حامل این افراد هم طور سالم بدست مجاهدین افتاد .

۱٤- طی عملیاتی که بروز بیست ودوم

سرطان ١٣٦٩ شروع ودوروز به درازا
کشید معلم عبدالرزاق ومجاهدان تحت فرمان
او بار دیگر قطار نظامی دشمن را در منطقه
تنگی خلم متوقف ساخته تحت آتش بی امان
وبلا انقطاع قرار دادند که در اثر آن دو
عراده تانك زرهی ویك عراده وسیله نقلیه
طعمه حریق، پانزده نفر افراد دشمن اسیر
وده نفر شان به هلاکت رسیدند درین نبرد
بیست وپنج میل تفنگ کلاشنکوف به
غنیمت مجاهدان درآمد.

دشمن به پیروی از سیاست غیر انسانی
وشناخته شده اش انتقام این شکست خودرا
از مردم غیر نظامی وبیدفاع منطقه گرفته با

بمباردوحشیانه حدود چهل تن مسلمانان مظلوم را شهید وبیشتر از یکصد نفر دیگر را زخمی ساخت.

۱۵- عملیات دیگری بروز ۲۰ سنبله سال ۱۳۶۹ ازطرف این قهرمان همیشه جاوید طرح ریزی وتوسط مجاهدان جان بر کف به منصهء تطبیق قرار گرفت که ضمن آن ده عراده تانك ووسایط نقلیهء دشمن حریق ودوازده عراده وسیله نقلیه حامل مواد غذائي سالم تبه غنیمت گرفته شد.

۱۶- مطابق پلان حساب شده ، عملیات وسیع وبرق آسائی را بروز دهم عقرب سال ۱۳۶۹ بالای پوسته های مستقر در تنگی

خلم آغاز وضربات مرگبار وبنیاد بر اندازی
را به پیکر دشمن وارد ساخت که درنتیجه
سه پوسته بسیار قوی وخطرناك دشمن
کاملاً منهدم وسه عراده تانك بکام آتش
رفت. همینطور یکصدوپنجاه عراده موتر
بامقدار کافی مهمات جنگ از قبیل
ماشیندار وهاوان به غنیمت گرفته شده
وتعداد چهار صد نفر از افراد مسلح با
سلاح دست داشته تسلیم گردیدند.

۱۷- یك ماه وچند روز بعد ازهمین روز
که مصادف به هفدهم قوس ۱۳۶۹ میباشد
تنگی خلم را بروی قطار نظامی درحال عبور
دولت مسدود وبه اثر تبادله آتش چهارعراده

تانك را تخريب ودوعراده ديگر را سالم
بدست آورد. دشمن همانندگذشته دست به
بمبارد وحشيانه منازل مسكونى اهالى خلم
زده تعداد زيادى را شهيد وزخمى نمود.
معلم عبدالرزاق نيز به گونه گذشته جواب
مشت را بامشت كوبنده تر داده يكبار ديگر
بروز بيست قوس ۱۳۶۹ بر پوسته هاى
مستقر درتنگى خلم شبخون زد ويك پوسته
ويك عراده تانك را كاملاً منهدم نمود. دو
افسر دولت درين شبخون هلاك ودونفر
عسكر به اسارت در آمدند همچنان مهمات
زيادى ازقبيل گرينوف - پيكا - دهشكه -
زيكويك وكلاشنكوف به غنيمت گرفته شد.

دولت با بکار گیری قوای هوائي جهت بیرون راندن مجاهدین ازسنگر ها ومواضع شان داخل اقدام گردید ولی به اثر شلیك سلاح دافع هوای مجاهدین یك فروند طیاره جت رژیم بروز بیست وهفت قوس ۱۳٦۹ سرنگون گردید وباقی طیارات راه فرار در پیش گرفتند.

۱۸- بخاطر تقبیح روز سیاه شش جدی ۱۳٦۹معلم عبدالرزاق شهید با یاران همسنگرش درمنطقه تنگی خلم جلو کاروان نظامی دشمن را سد نموده با آتش بی امان سه عراده تانك را طعمه حریق موسی وپنج عراده وسیله نقلیه دولت را بامحمولهء

نظامی آن به غنیمت گرفت.

تعداد چهل وپنج نفر افراد دشمن نیزبا سلاح دست داشته به اسارت افتادند.

۱۹- ازآنجائیکه یورش های بدون وقفه وضربات تباه کن معلم عبدالرزاق مجالی برای فعالیت وحرکت پوسته ها وگروپ های ملیشه دولتی متمرکز درمسیر شاهراه کابل حیرتان باقی نگذاشته بود، وروزی نبود که معلم عبدالرزاق ویاران با وفایش چون رعد وبرق به سر وقت این مزدوران دون همت نازل نشوندو عده شانرا بخاك وخون نكشند. لذا بهتر دیدند با گذاشتن اسلحه بزمین وابراز ندامت از همکاری وهمراهی با رژیم ملحد

فقط زندگی خود را نجات بدهند. چنانچه
بروز بیست ویکم حمل سال رٔوان گروپ
عمده ء از ملیشه های دولتی به سر کرده گی
ابراهیم ونجیب سیاه همراه چهل ونه نفر از
افراد شان به معلم عبدالرزاق تسلیم شده
اسلحه متنوعی از قبیل زیکویک، راکت
انداز ، مخابره، کلاشنکوف وتفنگچه را نیز
به مجاهدین سپردند. آنچه گفتنه آمد نمونه ء
بود از شهکار های بیشمار جهادی معلم
عبدالرزاق شهید. به ساتناد ضرب المثل
مشهور فولاکلوری که میگویند مشت نمونه
خروار، همین چند مثال محدود برای معرفی
او کافی وبسنده خواهد بود.

افسوس که دست تقدیر همچو اختر
رخشنده آسمان جهاد علمبردار مبارزهٔ
مسلحانه،معلم توانا، قوماندان نامدار
یادگار ورهنورد طریق عیاران جوانمرد بلخ را
از کنار ما ربود وبا فقدان او خلای جبران
ناپذیری را در مرحله نازك کنونی که جهاد
اسلامی ملت ما با نیرومندی راه خود را
بسوی قله فتح وپیروزی طی میکند بما
تحمیل کرد.

این مجاهد نستوه که یکبار در دورهٔ
خلقی ها با اسارت بدام این جلادان معاصر
تایك قدمی مرگ بیش رفته وبطور معجزه
آسای از زیر تیغ چنگیزیان قرن بیستم جان

سالم بدر برده بود ، هراس ووهم را در مقابل
دشمن اهریمن وهیولای مرگ یکجا
سواگذاشته تا لحظهء واپسین چون سیل
خروشان وموج هیبت ناك بر دشمن تاخت .

موجیم که آسوده گی ما عدم ماست
مازنده بـرآنیم که آرام نگیـریم

اوشهادت را مانند هر مومن دیگر والاترین
هدف خود میدانست وبخاطر رسیدن به این
هدف لحظهء از پای نه نشست وآرام نگرفت.
در موارد که دشمن باساز وبرگ فروان
وعصری جنگی ونفرات بیشمار برای مقابله
با او بمیدان امده بود و از نگاه تیوری
نظامی در همچو حالات که هیچ نوع تناسب

از لحاظ تعداد نفرات وامکانات جنگی بین
دوطرف موجود نبوده شاید مشهور ترین
نظامیان جهان حاضر به مقابله وایستادگی
نشده باشند اما او بدون هراس در
دشوارترین شرایط طارق وار همه را ههای
برگشت وعقب نشینی رابرخود مسدود ساخته
بدشمن تاخته است.

در تمام عملیات ونبرد های که او انجام داده
استراتیژی طرح شده او حرکت بجلو بوده نه
عقب نشینی که ما از ورای مطالعه عملکرد
های جهادی او این حقیقت را بخوبی درک
کرده میتوانیم .

اینکه او دیگربا مانیست برای ما جای

نهایت تأثر واندوه است ولی او بالاخره خود
را به هدف نهائی خود نایل ساخت وچنان
افتخاراتی را درجریان جهاد مسلحانه کمائی
کرد که او را نمیوان بحساب مرده گان بشمار
آورد نام او تا ابدیت جاودانه خواهد بود.

«مرد نمیرد بمرگ ، مرك ازاو نام جست
نام چوجاوید شد مردنش آسان کجاست»

باورکامل است که راه او بی راهرو باقی
نخواهد ماند زیرا او همچنان که یك مجاهد
بی مانند بود معلم ورزیدهء رسالت قبلی اش
را از یاد نبرده هریك از این مردان راه حق
را از لحاظ تقوا، زهد ، ایمانداری و
ایستادگی بمقابل دشمن تاحد اخرین رمق

آموزش نیکو داده است. تا در صورت نبودنش جبهات او همچنان استوار وشکست ناپذیر باقی مانده چون دژ نفوذ ناپذیر بمقابل دشمن پایدار بماند.

زود خواهد بود که ماشاهد باشیم یکی دیگر از جوانمردان خلمی مربوط جبهات او شمشیر بخاك افتاده معلم خود را برداشته با قدرت بیشتر ونیرومندی افزون تربر فرق دشمن بکوبدو شهرت جبهات قوماندان معلم عبدالرزاق را بیشتر از گذشته بگوش دوست ودشمن برساندتادشمن زبون بداند با نبودن همچو اختران، راه جهاد ما تاریك وبی فروغ نمانده هر روز اختران تابنده تری طلوع

میکنند.

نگاه کوتاه ومختصری به تاریخ مبارزات مردم افغانستان میرساند هر باري که ملت مامورد تجاوز یا مداخله قدرت هاي جهانی ومنطقوی قرار گرفته قهرمان های نامی از میان مردم بپا خاسته با جانبازي واز خود گذری حماسه های جاودان افریده دیر یلا زود دشمن تجاوز ومداخله گر را از پا در آورده مجبوربه فرار ساخته اند. از اسکندر مقدونی تا چنگیز خان مغول واستعمار انگلستان واخیراً ابر قدرت روس که مستقیماً با ملت مادر صحنه پیکار مصاف دادند ضرب نشست ما را چشیده چنان

پریده چې وسوځم ددین په شمعه له پتنگانو نه می مه بیلوه

عاشق دشمعی یم پتنگ غوندې مجمر ته ځمه

دلوړ وغرونو دشاهین په شانې مورجانې زه لوړپروازونه کوم

دخوږ اسلام دخپریدو په هیله دهر باطل سره جنگونه کوم

دتورو شپو په ترگموپسې سحرته ځمه

که زه شهید شوم مهربانې مورې زما په قبر به مزار جوړوې

سحرماښام به مې زیارت ته راځې زما بیرغ به په سینگار جوړوې

داسې یې وگڼه مورجانې چې اختر ته ځمه

پۀ هسکه غاړه داخلاص په ژبه مبارکي دشهادت راکوه

گوره دعا کې دې چې هیرنه شمه راته تحفی په هر ساعت راکوه

خدای ته مې وسپاره لقاد پاك اکبرته ځمه

مورې منم ستابه زړگی خوږیږی خو گوره ماپسې ژړاو نکړې

په هر ساعت به زه یادیږم درته دفراقت می څه پر واونکړې

زما باوردی په دې لاره به کوثر ته ځمه

داسلام باغ په وچیدو دی مورې زه یې په وینو دبدن اوبوم

غواړم تیارې دجهالت شي ورکې ورته ډیوې په خپل مدفن بلوم

زه گوهری به په قیامت کې خپل گوهر ته ځمه

دجنگ ډگرته ځمه ـــ نه حصاریږم

درسی آموختند که چندین نسل آینده ء آنها هم جرأت نخواهند کرد اشتباه نیاکان خود را تکرار کنند.

اما قدرت های دیگر جهانی ومنطقوی وعده کشورهای دور ونزدیك که در جریان جهاد ملت افغان روی انگیزه ء های مختلفی بما کمك ومعاونت کردند، بعضاً بفکر غلط آرزو های ناجایز را بسر پرورانیده بامداخله ء بی شرمانه در اوضاع داخلی ما میخواهند مسیر جهاد ومبارزه ء ما را منحرف وما را به مردم دنیا طور دیگری معرفی کنند حتی به پاس معاونت هاي شان آنقدر براي خود حق قایل میشوند که حق تعین سرنوشت مارا

دشهادت په آرزو

گوهری

مورجانې تور ټوپك مې راکړه چې سنگر ته ځمه

دجنگ ډگرته ځمه __ نه حصار یږم

ملامې ترلې جهادونه کوم ځم دسنگرپه لور روان یمه

دخوږ اسلام دحفاظت په خاطر زه تیرتر سراو تیر ترځان یمه

په دی آرزو دقربانۍ ښکلي محضرته ځمه

که له اسلامه قرباني شم یوځل مورې په زړه کې بل ارمان نلرم

دشهادت کفن په سریم روان ترس له گولیو په هیڅ شان نلرم

په ډیر اخلاص دشهیدانو سور لښکرته ځم

ادکې مورې هیڅ پروامه کوه باب شهید یا به غازي ...

په دواړو لاروکې فاتح یم زه کړه افتخارچې زه زخمي رادرومم

شکر کوه کړم کړم چې زه محشرته ځمه

تا په غیرت کې رالوی کړی یم بې غیرتي په ځان منلی نشم

دحریت او آزادی زانگو کې- کړم دې رالوی غلام کیدلی نشم

دزړه په مینه دسرووینو سمندرته ځمه

زما همزولي سنگروته لاړل ادکې مورې نورمې مه ستنوه

از ما گرفته آرزو دارند بعوض دولت مزدورکابل دولت مزدور دیگری را که صرف دنباله او اهداف توسعه طلبانه آنها باشد به ما تحمیل کنند. سنگ اندازی ها وکار شکنی های این عده کشور ها مشکلاتي رابرای ملت ما درین مرحله سرنوشت ساز ایجاد کرده ما از رسیدن به موفقیتی که باید چند سال قبلیه آن دست میافتیم مانع شده وسبب تأخیرحصول آزادی ما شده است.

ملت ما به بانگ رسا به این عده کشورها وسردمداران شان خطاب می کند:

گرنـدانی غـیرت افغانیم

چون بمیدان آمدی میدانیم

صدها سلام من بتو ای عاشق خدا

کی میروی زیادمن ای پیکر وفا

نام تو درضمیر همه جاویدان شهید

ای جانباز راه خدا پهلوان شهید

کردی تلاش بهرهدف میر کاروان

ای کاش نگشتی هدف تیردشمنان

گلگون قبا پوشیدهء ای نوجوان شهید

ای جانبازراه خدا پهلوان شهید

گوید چو«خنجری» به روان توصد سلام

بادا طریق وراه وفای تومستدام

گشتی تو شمع بزم همه نوریان شهید

ای جانباز راه خداپهلوان شهید

خنجری

رهرو کهکشان نور

صدها سلام من بتو ای قهرمان شهید
ای جانباز راه خدا پهلوان شهید
ای رهرو دلاور این کهکشان نور
نوشیده ء توجرعه ء کزباده ء سرور
درراه عشق داده ء سرجانفشان شهید
ای جانبازراه خداپهلوان شهید
صد آفرین بعزم تو ای مرد راه حق
کردی دفاع زسنگرت تاواپسین رمق
بودی حدی ئی باخبرکاروان شهید
ای جانباز راه خدا پهلوان شهید

ما که به یاری خداوند قدرت های شیطانی بزرگی را بزانو در آورده ایم از هیچ قدرت جهانی ومنطقوی دیگری که بمقابل اراده ء ما قرار گیرد هراسی نداریم ملت ما چون دژ استوار است وچون کوه پایدار همانطوریکه تا حال از همه ء ازمون های تاریخی سر بلند بدر آمده از این آزمون مهم نیز بلطف وياري خداوند با افتخار وجلال تمامتر بدر آمده نتیجه ء دوازده سال جهاد اسلامی وخون یك ونیم ملیون شهید وآبروی بیش از پنج ملیون مهاجر خود فدای امیال وآرزو های ناجائز دیگران نخواهد کرد .

ومن الله التوفیق



سنگردار شهید معلم عبدالرزاق در گوشهء ازصف مجاهدین خویش در سنگر جهاد

جمعیت طلبهء حرکت انقلاب

اسلامی افغانستان